

ارزیابی حقوقی ساختار سازمانی و کارکردهای شورای رقابت

عباس شیخ‌الاسلامی^۱، امید ابراهیمی^{۲*}

چکیده

در شرایط شکست بازار، اتخاذ سیاست رقابتی و دخالت نهادهای مدافع حقوق رقابت‌گریز ناپذیر می‌شود؛ تشکیل نهاد «شورای رقابت» به موجب ماده ۵۳ فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مقرر کردن وظایف و اختیارات مبسوط برای آن و نیز حضور قابل توجه قضات عالی‌رتبه با اختیارات ویژه در بین اعضای آن، مبین پشتیبانی حقوقی و نهادی قانونگذار ایرانی از ارزش‌ها و بایسته‌های اقتصاد بازار آزاد و رقابت سالم اقتصادی است. اگرچه ترکیب اغلب دولتی اعضای شورا، حضور کمرنگ نمایندگان بخش خصوصی در آن، عدم حمایت جامع قانونگذار از اصل استقلال شورا و تصمیمات آن، ناهمگونی نسبی در نواهی و موارد ممنوعه قانونی، تداخل وظایف و اختیارات شورا با دیگر نهادهای قانونی و ابهامات عملی مربوط، موانعی سترگ در راه تحقق واقعی و عینی اهداف آن هستند.

کلیدواژگان

حقوق رقابت، سیاست رقابتی، شورای رقابت، قانون اصل ۴۴، نهاد.

۱. دانشیار، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجه، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Email: dr.sheikholeslami@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد (نویسنده مسئول).

Email: omidebrahimi1364@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷

مقدمه

در اقتصاد متکی بر بازار، وجود رقابت واقعی موجب می‌شود تا بنگاه‌ها به بهترین نحو ممکن عمل کرده، کالاهایی با بهترین کیفیت و خدماتی با نازل‌ترین هزینه را تولید و ارائه کنند. فضای رقابتی براساس مکانیسم «تشویق بنگاه‌های بهره‌ور»^۱ و «تنبیه بنگاه‌های غیربهره‌ور»^۲، توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه، نوآوری در فضای کسب‌وکار، ایجاد بازارهای جدید و در نهایت تخصیص بهینه منابع^۳ را ترغیب و تشویق می‌کند؛ لیکن گاهی شرایطی پیش می‌آید که بازار را از حالت رقابتی به حالت غیررقابتی تغییر می‌دهد که در اصطلاح «شکست بازار»^۴ نامیده می‌شود، در این شرایط بازار در تخصیص کارآمد منابع، کالاها و خدمات مختلف ناتوان بوده و قاعدتاً به دخالت دولت^۵ به‌عنوان نیروی اقتصادی که خارج از سیستم عرضه و تقاضای بازار عمل می‌کند، نیاز است^۶ (عبادی، ۱۳۸۵: ۴۱ - ۳۸)؛ اتخاذ سیاست رقابتی^۷ مناسب - به معنای مجموعه سیاست‌ها و موازین حقوقی (حقوق رقابت)^۸ که تضمین‌کننده عدم محدودیت رقابت در بازار به نحو زیان‌رسان باشد (Motta, 2004: 30) - و نیز ایجاد نهادهای تنظیم‌کننده^۹ را می‌توان از مهم‌ترین تجلیات دخالت دولت در این‌گونه موارد قلمداد کرد.^{۱۰} نظر به ارتکاب عمده اعمال و رویه‌های مخل رقابت و ایجادکننده انحصار، از جانب مؤسسات و بنگاه‌های بزرگ (اعم از دولتی،

1. Encourage efficient and productive enterprises.
2. Punish inefficient and non-productive enterprises.
3. Optimum Allocation of Resources
4. Market failure

۵. دخالت دولت را به «تلاش متمرکز و خردمندانه تمامی نیروهای یک جامعه بر روی یک مسئله، یک توافق عمومی روی اینکه: یک کار باید یا نباید برای منفعت عموم انجام گیرد» تعریف نموده‌اند (لیست، ۱۳۷۰: ۴۷۹).
 ۶. به همین دلیل است که عده‌ای صرف حضور بخش خصوصی را مترادف با کارایی ندانسته و میزانی از نظارت و مداخله دولت را ضروری قلمداد کرده‌اند (کميجانی، ۱۳۸۸: ۲). نگاهی گذرا به تجربیات دیگر کشورها به‌خصوص جوامع توسعه‌یافته و صنعتی نیز (نوروزی شمس، ۱۳۸۴؛ رهبری و قیاسی، ۱۳۹۲) آشکارکننده این مهم است که گستردگی بیش از حد شرکت‌های خصوصی و حاکمیت آنان بر شبکه وسیع تولید و توزیع کالاها و خدمات خاص، به معنای فقدان سازوکارهای کنترل و نظارت بر فعالیت‌هایشان نیست و همگان بر مدار و محور قوانین ویژه‌ای فعالیت می‌کنند که از طریق آن دولت، نظارت و کنترل همه‌جانبه‌ای اعمال می‌نماید.

7. Competition Policy
8. Competition Law

۹. نهاد را به «محدودیت‌های تحمیل‌شده از جانب افراد به تعاملات بین آنها» (North, 1991: 98) و تنظیم مقررات را به «تلاش دولت به‌منظور کنترل تصمیمات بخش خصوصی» (Noll & Bruce, 1983) تعریف کرده‌اند. منظور از «نهاد تنظیم‌کننده» نیز نهادهای دارای قدرت تنظیم‌کنندگی هستند (علی‌رازینی و وجدانی طهرانی، ۱۳۸۵: ۴۷).
 ۱۰. دخالتی همسو با «ارجاع به مقام انضباطی یا مدیریتی» که در حقوق کیفری جدید، به‌عنوان اقدامی در جهت جایگزین کردن یک شبکه وسیع‌تر، شامل شبکه‌های خودانضباطی جامعه مدنی (با میزانی از حضور و نظارت دولت) به‌جای شبکه کیفری پیش‌بینی شده است؛ در این حالت صلاحیت مرجع اداری برای اعمال ضمانت اجرای خاص خود نسبت به مرتکب یک جرم به رسمیت شناخته می‌شود (لازرز، ۱۳۹۰: ۸۰).

شبه‌دولتی یا خصوصی) و دارای سهم عمده از بازار یک کالا یا خدمت خاص و تبدیل آن به عمده‌ترین عامل زمینه‌ساز انحصار یا ماهیتاً انحصارزا (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۷۱) همچنین با امعان نظر به ماهیت تبهکاری اقتصادی و اجتماعی بودن آن (گسن، ۱۳۸۵: ۱۱۰)، لزوم تأسیس نهاد یا نهادهایی نظام‌مند در جهت کنترل، نظارت و رسیدگی تخصصی بیش از پیش آشکار می‌شود، به‌گونه‌ای که محیط نهادی را اولین رکن رقابت‌پذیری قلمداد کرده (توکلی و ماه‌بانویی، ۱۳۹۲: ۱۳۷) و برخی جرم‌شناسان نیز یکی از دلایل نرمش جامعه نسبت به بزهکاران اقتصادی را در فقدان یا پیگیری نبودن این‌گونه نهادهای کنترل و نظارت جست‌وجو می‌کنند (پیکا، ۱۳۹۳: ۸۶). به موجب صدر ماده ۵۳ قانون ا.س.ک.ا. ۴۴ برای نیل به اهداف فصل نهم شورایی تحت عنوان «شورای رقابت»^۱ تشکیل می‌شود. شورا به موجب صدر ماده ۶۲، تنها مرجع رسیدگی‌کننده به اعمال و رویه‌های ضدرقابتی بوده و مکلف است رأساً یا براساس شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی، بررسی و تحقیق در خصوص رویه‌های ضدرقابتی را آغاز و در چارچوب قانون اتخاذ تصمیم کند. هدف این نوشتار بررسی حقوقی ساختار سازمانی و کارکردها و وظایف شورا بوده که ابتدا در بخش نخست ساختار سازمانی و در بخش دوم کارکردهای مختلف پیش‌بینی شده در قانون مزبور برای شورا از دیدگاه موازین حقوقی تحلیل و بررسی می‌شود.

ساختار سازمانی

بهره‌مندی از ساختار سازمانی مناسب، برای نهادها و سازمان‌های فعال در بخش‌های مختلف اقتصادی، به‌منظور بازدهی و کارایی امری ضروری است. ساختار سازمانی منسجم و برنامه‌ریزی شده می‌تواند به بهره‌وری، افزایش رضایت و کاهش اتلاف منابع منجر شود. در حقوق رقابت نیز این موضوع مورد اجماع است که یک جنبه مهم از قوانین رقابت، ناظر بر نهادهایی است که اجرای آن را تضمین می‌کنند (Trebilcock & Iacobucci, 2010:455). قانون ا.س.ک.ا. ۴۴ ساختار سازمانی و ترکیب نهاد «شورای رقابت» را از ماده ۵۳ به بعد خود پیش‌بینی کرده که در این بخش ذیل چهار مبحث مجزا به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱. در مقابل برخی که تأسیس چنین شورایی را امری بی‌فایده تلقی کرده و رقابت را روندی طبیعی قلمداد می‌کنند که نمی‌توان با اجبار ایجاد کرد (غنی‌نژاد، ۱۳۸۸). برخی دیگر را عقیده بر این است که شورای رقابت، تشکیلات بزرگی نیست و در برابر بدنه دولت، بسیار کوچک است (پژویان، ۱۳۸۸). این سازمان و تشکیلات، در همه جای دنیا وجود داشته (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴) و برای فعال شدن بخش خصوصی و کنترل انحصارات، (لازم و ضروری) است. شایان یادآوری است که در حقوق فرانسه از سال ۲۰۰۹، مقام رقابت (که نهاد اداری نسبتاً مستقل و تحت نظارت قضایی شورای دولتی فرانسه است) جایگزین شورای رقابت شده است (صادقی مقدم و غمامی، ۱۳۹۱: ۸۵).

۱. ترکیب

به طور حتم یکی از پیش شرط‌های اصلی اجرای قانون رقابت، بهره‌مندی از نیروی انسانی متخصص و کارآمد است که ضمن تلفیق رشته‌های مختلف تخصصی حقوقی، اقتصادی و... در پیاده‌سازی بهینه مفاد آن یاری‌رسان سیاست رقابتی قانونگذار باشد. اهمیت امر به حدی است که برخی، جذب متخصصان کارآمد را که بتوانند به نحو مؤثر با موارد ضد تراست برخورد کنند، همچنان یکی از معضلات جهان در حال توسعه می‌دانند (استیگلیتز، ۱۳۹۳: ۸۶). در ق.ا.س.ک.ا. ۴۴ به موجب بند «الف» ماده ۵۳، ترکیب اعضای شورای رقابت به شرح ذیل تعیین شده است:

۱. سه نماینده مجلس به انتخاب مجلس شورای اسلامی به‌عنوان ناظر؛ ۲. دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب و حکم رئیس قوه قضاییه؛ ۳. دو صاحب‌نظر اقتصادی برجسته به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و حکم رئیس‌جمهور؛ ۴. یک حقوقدان برجسته و آشنا به حقوق اقتصادی به پیشنهاد وزیر دادگستری و حکم رئیس‌جمهور؛ ۵. دو صاحب‌نظر در تجارت به پیشنهاد وزیر بازرگانی و حکم رئیس‌جمهور؛ ۶. یک صاحب‌نظر در صنعت به پیشنهاد وزیر صنایع و معادن و حکم رئیس‌جمهور؛ ۷. یک صاحب‌نظر در خدمات زیربنایی به پیشنهاد رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و حکم رئیس‌جمهور؛ ۸. یک متخصص امور مالی به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و حکم رئیس‌جمهور؛ ۹. یک نفر به انتخاب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران؛ ۱۰. یک نفر به انتخاب اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

رئیس شورا از بین صاحب‌نظران اقتصادی عضو به پیشنهاد اعضا و با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شود. نایب‌رئیس نیز از بین اعضا و به پیشنهاد آنان و با حکم رئیس شورا منصوب می‌شود (تبصره‌های ۱ و ۲). همگی اعضای شورا دارای نوعی مصونیت‌اند، بدین معنی که نمی‌توان آنان را به دلیل اتخاذ تصمیمات در چارچوب وظایف قانونی یا اظهاراتی که به استناد قانون می‌کنند، تحت تعقیب قرار داد (بند ۳ ماده ۵۶). به استثنای قضات منصوب قوه قضاییه در مورد سایر اعضای شورا، بازنشسته بودن مانع انتصاب آنان به عضویت در شورا نخواهد بود (تبصره ۳ ماده ۵۳). به نظر می‌رسد ساختار ترکیبی شورا، نحوه پیشنهاد و مرجع صدور احکام اعضا، بالقوه قابلیت تردید و خدشه در استقلال شورا به‌رغم تصریح قانونگذار را داراست.^۱

در خصوص عضویت نمایندگان ناظر مجلس شورای اسلامی، چهار نکته شایان توجه است: نخست آنکه با وجود عدم تصریح قانونگذار به دوره تصدی آنها در شورا، با توجه به مدت

۱. به خصوص اینکه در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز مرکز ملی رقابت (به‌عنوان بازوی کارشناسی، دبیرخانه‌ای و اجرایی شورا به موجب ماده ۵۴) اولویت با کارکنان رسمی و پیمانی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی است (تبصره ۲) و آیین‌نامه تشویق اعضای شورای رقابت و کارکنان مرکز ملی رقابت نیز به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران می‌باشد (تبصره ۳).

زمان هر دوره از مجلس شورای اسلامی، قطعاً این زمان بیش از چهار سال نخواهد بود، مگر آنکه عضو ناظر فعلی، در انتخابات دوره بعدی به‌عنوان منتخب مجدداً راهی مجلس شود که در این صورت رعایت سقف شش سال مذکور در بند ۱ ماده ۵۵ الزامی به‌نظر می‌رسد. دوم آنکه با عنایت به ناظر بودن و حق رأی نداشتن نمایندگان مذکور در جلسات شورا، نوع نظارت (اعم از استصوابی، استطلاعی و...)، ضمانت اجرا و نیز گستره و میزان آن (شمول نظارت فقط بر مصوبات شورا یا رویه‌ها و اعمال اداری آن) از جانب قانونگذار مورد تصریح واقع نشده که محل انتقاد به‌نظر می‌رسد. سوم اینکه با حذف نمایندگان ناظر، تعداد اعضای شورا زوج می‌شود که با توجه به رسمیت جلسات شورا با حضور دوسوم اعضا (ماده ۵۷) و نیز محتمل بودن اختلاف نظر آنها و برابری آرای مخالف و موافق (البته در تصمیمات غیر از ماده ۶۱)^۱، مکانیسم نهایی تصمیم‌گیری و حل اختلاف نیز مشخص نشده که بالطبع قابلیت ایجاد اختلال و وقفه در فرایند تصمیم‌گیری‌های شورا را خواهد داشت. نکته پایانی در این خصوص اینکه علی‌رغم تصریح ماده ۴ بر شمولیت قوانین فصل نهم بر تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی، ترکیب اغلب دولتی شورای رقابت و نیز حضور فقط یک نماینده از هر یک از بخش‌های خصوصی (نماینده منتخب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن) و تعاونی (نماینده منتخب اتاق تعاون) جداً محل انتقاد به‌نظر می‌رسد. نکته قابل تأمل‌تر اینجاست که حتی در مورد اعضای صاحب‌نظر، حقوقدان و متخصص منصوب رئیس‌جمهور نیز، داشتن پست و منصب دولتی از جانب قانونگذار نهی نشده است و فقط در بند ۴ ماده ۵۵ به اشتغال تمام‌وقت اعضا در شورا اکتفا شده است؛ مفاد بند ۳ ماده ۵۵ مبنی بر لزوم اعطای مأموریت به کارمندان دولت و قوه قضاییه برای عضویت آنان در شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر نیز بر این امر دلالت می‌کند.

۲. شرایط انتخاب

بند «ب» ماده ۵۳ مواردی چون تابعیت جمهوری اسلامی ایران، دارا بودن حداقل چهل سال سن، دارا بودن مدرک دکتری معتبر برای اعضای صاحب‌نظر اقتصادی و حقوقدان و حداقل مدرک کارشناسی برای صاحب‌نظران تجاری و صنعتی و خدمات زیربنایی و مالی، نداشتن محکومیت‌های موضوع ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی^۲ یا محکومیت قطعی به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب، دارا بودن حداقل ده سال سابقه کار مفید و مرتبط، نداشتن

۱. به موجب مقررۀ ذیل ماده ۵: «...تصمیمات شورا در خصوص ماده ۶۱ این قانون در صورتی اعتبار خواهد داشت

که رأی حداقل یک قاضی عضو نیز در آن مثبت باشد.»

۲. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در حال حاضر.

محکومیت قطعی انتظامی از بند «د» به بالا موضوع ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۱۳۷۲/۹/۷) را در زمره شرایط انتخاب اعضای شورای رقابت آورده است که برخی ایجابی و بعضی دیگر سلبی‌اند. از نکات شایان توجه قید شدن شرط سن در شرایط انتخاب اعضای شورا است که لزوماً نمی‌تواند با شرط دارا بودن ده سال سابقه کار مفید و مرتبط منطبق باشد؛ به عبارت آخری می‌توان فرد کمتر از چهل سال با سابقه کار مفید و مرتبط حداقل ۱۰ سال را نیز متصور بود. همچنین ملاک تفکیک قانونگذار بین مدرک تحصیلی الزامی برای اعضای صاحب‌نظر اقتصادی و حقوقی (دکتری معتبر) و اعضای صاحب‌نظر تجاری، صنعتی و خدمات زیربنایی و مالی (کارشناسی) چندان روشن نیست.

باید توجه داشت که شرایط فوق‌الاشاره، شرایط حین انتخاب اعضا بوده و در مورد لزوم استمرار این شرایط، در زمان عضویت سخنی به میان نیامده است. به نظر می‌رسد باید در این خصوص بین شرایط ایجابی و سلبی تفکیک قائل شد؛ توضیح مطلب اینکه در مورد شرایط اثباتی، نفی آنها امکان‌پذیر نیست، مگر به واسطه احراز خلاف واقع یا جعلی بودن مدارک تابعیتی، سجلی، تحصیلی یا اسناد ناظر بر سابقه کار مفید و مرتبط اعضا؛ لیکن در مورد شرایط سلبی مذکور در بندهای ۴ و ۶، اگرچه ظاهراً سیاق عبارات، شرایط مذکور را نیز در حین انتخاب ملاک قرار داده است، لیکن امکان محکوم شدن اعضا در حین فعالیت در شورا، به محکومیت‌های مندرج در بندهای فوق‌الذکر کاملاً محتمل بوده و می‌توان شرایط سلبی گفته‌شده را در زمره شرایط مستمر اعضای شورا در نظر گرفت و عضویت فرد محکوم را سلب و فرد جانشینی برای آن قرار داد. جزء «ب» بند ۱ ماده ۵۶ نیز بر این نظر صحه گذاشته و محکومیت‌های مذکور را موجب برکناری اعضا دانسته است.

۳. تکالیف و محدودیت‌ها

پیشتر اشاره شد که نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، هنگامی می‌تواند در دسترسی به اهداف اقتصادی جامعه (و از جمله مسئله تخصیص بهینه منابع) موفق عمل کند که پیش از هر چیز، نهاد یا نهادهای پشتیبانی‌کننده اهداف و تضمین‌کننده اجرای آنها، ایجاد شده باشند. به عبارت دیگر، موفقیت اقتصادها در این نهفته است که نهادهای پاداش‌دهنده، زحمتکشان و کارآفرینان را پاداش دهند و راهکارهای کسب رانت را محدود سازند (خداپرست، ۱۳۸۰: ۶۷) و این امر جز در سایه تضمین بی‌طرفی نهادها، میسر نخواهد بود. ق.ا.س.ک.ا. ۴۴ نیز با پیش‌بینی نهادهای قانونی جدید، در پی پشتیبانی نهادی از ارزش‌ها و بایسته‌های خویش می‌باشد. نظر به تأسیس نهادی اداری چون شورای رقابت و پیش‌بینی وظایف و اختیارات شبه‌قضایی برای آن، قانونگذار متقابلاً سازوکارهایی را در جهت تضمین بی‌طرفی نهاد مزبور و رسیدگی سالم و منصفانه از جانب آن (و نیز هیأت تجدیدنظر و مرکز ملی

ارزیابی حقوقی ساختار سازمانی و کارکردهای ... ۷۰۱

رقابت) پیش‌بینی کرده است. به موجب بندهای سه‌گانه ماده ۶۸، مهم‌ترین تکالیف و محدودیت‌های اعضای نهادهای فوق به شرح زیر است:

۱. ممنوعیت شرکت در جلسات و تصمیم‌گیری در موارد موضوع ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی^۱ (بند ۱ ماده ۶۸): تصمیماتی که بدون رعایت این بند اتخاذ شده و منجر به تحصیل منافی مستقیم یا غیرمستقیم یا معافیت از تکلیفی برای عضو مربوط گردد، باطل و فاقد اثر قانونی خواهد بود. ممنوعیت فوق شامل نمایندگان ناظر عضو شورا نمی‌گردد، چراکه صاحب رأی نبوده و در تصمیم‌گیری‌های آن دخالتی ندارند. همچنین در مواردی که اشخاص حقوقی، یکی از طرفین دعوا در شورا باشند، ممنوعیت مذکور در ماده ۹۱ ق.آ.د.م را باید متوجه نماینده قانونی آن دانست؛ به عبارت آخری چنانچه اعضای شورای رقابت یا نمایندگان قانونی شخص حقوقی صاحب دعوا، مشمول یکی از بندهای ماده ۹۱ باشند، در این صورت مطابق بند ۱ مذکور عمل خواهد شد. نکته شایان ذکر دیگر اینجاست که به منظور بطلان تصمیمات شورا، صرف عدم رعایت ممنوعیت‌های ماده ۹۱ ق.آ.د.م کافی نبوده، بلکه علاوه بر آن، تصمیمات شورا باید به تحصیل منافع (مستقیم و غیرمستقیم) یا معافیت از تکلیفی برای عضو مربوط (که ممنوعیت‌های نادیده گرفته شده ناظر به اوست) منجر شود. همچنین از آنجا که اعتبار تصمیمات شورا در خصوص ماده ۲۶۱، به مثبت بودن رأی حداقل یک قاضی عضو در آن است (ذیل ماده ۵۷) در تصمیمات اتخاذی مذکور، باید ممنوعیت را به قضات عضو شورا، متوجه و معطوف کرد. در نهایت اینکه با توجه به عدم تعیین مهلت یا ضرب‌الاجل زمانی به منظور معرفی عضو جایگزین، از جانب نهادهای معرف و منصوب‌کننده در تبصره بند ۱ ماده ۶۸^۲، توالی تشریفات اداری و نیز اطاله و اخلال در رسیدگی شورا دور از ذهن نخواهد بود.
۲. وظیفه حفظ اطلاعات داخلی (بند ۲ ماده ۶۸): اعضای شورای رقابت، هیأت تجدیدنظر و

۱. ماده مزبور جهات رد دادرسی در امور حقوقی و مدنی را اشعار می‌دارد.

۲. تصمیماتی چون دستور به فسخ، دستور به توقف طرفین یا توافق‌ها یا رویه‌های ضد رقابتی، اطلاع‌رسانی عمومی، دستور به عزل، دستور به واگذاری سهام و سرمایه، الزام به تعلیق، دستور به ابطال هر گونه ادغام، الزام به تجزیه شرکت‌های ادغام‌شده، دستور استرداد اضافه درآمد، توقیف اموال از طریق مراجع ذی‌صلاح قضایی، دستور عدم فعالیت، دستور به اصلاح اساسنامه، شرکتنامه یا صورتجلسات مجامع عمومی یا هیأت‌مدیره شرکت‌ها، ارائه پیشنهاد لازم به دولت در خصوص اصلاح اساسنامه‌های شرکت‌ها و مؤسسات بخش عمومی، الزام بنگاه‌ها و شرکت‌ها به رعایت حداقل عرضه و دامنه قیمتی در شرایط انحصاری و در نهایت تعیین جریمه نقدی به موجب ماده مزبور داخل در صلاحیت شورا پیش‌بینی شده‌اند.

۳. «چنانچه بنا به محدودیت فوق، فرد یا افرادی از اعضای شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر از شرکت در جلسات شورا و تصمیم‌گیری منع شوند، شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر از مرجع معرفی‌کننده عضو مزبور، درخواست معرفی عضو جایگزین را برای رسیدگی به این موضوع می‌کند.»

همچنین کارکنان مرکز ملی رقابت و هر شخصی که قبلاً در این سمت‌ها مشغول به کار بوده، نباید اطلاعات داخلی بنگاه‌ها، شرکت‌ها یا اشخاصی را که در جریان انجام وظیفه یا به این مناسبت از آنها اطلاع یافته‌اند، فاش کنند یا مخفیانه از آن به نفع خود یا اشخاص دیگر بهره بگیرند. مشابه این ممنوعیت برای سایر اشخاص به موجب جزء ۲ بند «ک» ماده ۴۵ پیش‌بینی شده است؛ به موجب بند مذکور، کسب و بهره‌برداری غیرمجاز از اطلاعات و تصمیمات مراجع رسمی (توسط هر شخص صرف‌نظر از سمت و موقعیت وی)، قبل از افشا یا اعلان عمومی آنها یا کتمان آنها به نفع خود یا اشخاص ثالث ممنوع است. ضمانت اجرای کیفری همه این موارد نیز در ماده ۷۵ پیش‌بینی شده است.^۱ نظر به سیاق اطلاق گونه عبارات بند ۲ ماده ۶۸ و نیز ماده ۷۵ ق.ا.س.ک.ا. ۴۴، خاص بودن از حیث دامنۀ شمول و نیز لاحق بودن آنها، می‌توان مادتهای فوق‌الاشاره را تخصیص‌زنده ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیک (مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷) در موارد مشابه^۲ تلقی کرد و ارتکاب اعمال مجرمانه مذکور در محیط مبادلات الکترونیک را نیز تحت شمول آنها دانست. نکته شایان ذکر دیگر اینکه با توجه به جرم‌انگاری مطلق بهره‌برداری از اطلاعات به نفع خود یا دیگری در ماده ۷۵، ذکر قید «...به‌طور مخفیانه...» در بند ۲ ماده ۶۸، در توصیف عمل بهره‌برداری از اطلاعات به نفع خود یا دیگری، زائد به‌نظر می‌رسد.

۳. ممنوعیت اظهارنظر پیش از اتخاذ تصمیم: اعضای شورای رقابت، هیأت تجدیدنظر و نیز کارکنان مرکز ملی رقابت نباید قبل از اتخاذ تصمیم، در خصوص تخلفات بنگاه‌ها، شرکت‌ها یا اشخاص از مقررات این قانون، به‌صورت کتبی یا شفاهی اظهارنظر کنند. مبنای اصلی ممنوعیت مذکور را می‌توان جلوگیری از افشای پیش از موعد تصمیمات اتخاذی نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی، حمایت از حریم اطلاعاتی آنها، جلوگیری از شکل‌گیری تبانی احتمالی میان طرفین ذی‌نفع و در نتیجه سوءاستفاده احتمالی رقبا دانست؛ مسلم است کسانی که پیش از سایرین به تصمیمات شورا یا اطلاعات بنگاه‌های رقیب دسترسی پیدا کنند، از رانت و مزایایی برخوردار می‌شوند که براساس آن قادر خواهند بود به راحتی رقیب را از عرصه رقابت سالم به‌در

۱. ماده ۷۵: «هرکس که به موجب این فصل (فصل نهم) مکلف به حفظ اطلاعات داخلی شرکت‌ها، بنگاه‌ها و یا سایر اشخاص شده است، آن را منتشر و یا افشا کند و یا از این اطلاعات به نفع خود یا اشخاص دیگر بهره بگیرد، حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از چهل میلیون تا چهارصد میلیون ریال یا هر دو مجازات و نیز جبران خسارت ناشی از افشاء و یا انتشار اطلاعات محکوم خواهد شد.»
 ۲. ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیک، تحصیل غیرقانونی و نیز افشای اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات را جرم انگاری کرده، درحالی‌که ماده ۷۵ ق.ا.س.ک.ا. ۴۴، انتشار، افشا و بهره‌برداری از اطلاعات به نفع خود یا دیگری را مورد حمایت کیفری خویش قرار داده است. در نتیجه تنها می‌توان جرم افشای اسرار تجاری را مخرج مشترک مادتهای فوق‌الذکر و ارتکاب آن از جانب اعضای شورای رقابت، هیأت تجدیدنظر، مرکز ملی رقابت را در محیط مبادلات الکترونیک مشمول ماده ۷۵ ق.ا.س.ک.ا. ۴۴ دانست؛ لیکن در مورد سایر اعمال ارتکابی فوق‌الاشاره از جانب اعضای مذکور در محیط مبادلات الکترونیک، باید به ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیک مراجعه کرد.

ارزیابی حقوقی ساختار سازمانی و کارکردهای... ۷۰۳

کنند؛ به همین دلیل قانونگذار دامنه ممنوعیت مذکور را علاوه بر اعضای شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر به کارکنان و اعضای مرکز ملی رقابت (بازوی کارشناسی، دبیرخانه‌ای و اجرایی شورای رقابت به موجب ماده ۵۴) نیز تسری داده است. همچنین این ممنوعیت (برخلاف بند «الف» که پیشتر شرح آن رفت) اعضای ناظر شورا را نیز شامل خواهد شد. به موجب بند و ماده ۵۶، نقض تکالیف و محدودیت‌های مذکور از موجبات برکناری اعضاست. ماده ۷۷ نیز نقض هر یک از اینها را تخلف انتظامی محسوب و مرتکب را علاوه بر مجازات‌های مذکور در این قانون، حسب مورد قابل محاکمه در یکی از مراجع مذکور در بند ۵ ماده ۱۵۵ می‌داند.

۴. موارد عزل

بند ۴ ماده ۵۶ بر استقلال شورای رقابت در رسیدگی تصمیم‌گیری، مطابق مقررات فصل نهم ق.ا.س.ک. ۴۴۱ اشاره کرده و بند ۳ نیز همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در مقام تضمین استقلال نظر اعضای شورای رقابت، بر عدم تعقیب آنها به دلیل اتخاذ تصمیمات در چارچوب وظایف قانونی یا اظهارات به استناد قانون، تأکید ورزیده است؛ بند ۱ نیز به منظور تضمین موقعیت شغلی اعضا، اصل را بر عدم برکناری آنها، برخلاف میل از عضویت در شورا قرار داده و در ادامه مواردی را به عنوان استثنا پذیرفته است که اجمالاً طبق تقسیم‌بندی ذیل قابل اشاره و بررسی هستند:

۱. زوال شرایط اعضا: مثل از دست دادن اهلیت استیفاء (جزء د بند ۱)؛
۲. عزل اعضا به دلیل اعمال مکانیسم نظارت درونی شورا^۱: شامل ناتوانی در انجام وظایف محوله به تشخیص دوسوم اعضای شورا (جزء الف بند ۱)، غیبت غیرموجه بیش از دو ماه متوالی و سه ماه غیرمتوالی در هر سال از حضور در شورا با تشخیص اکثریت اعضا (جزء ه بند ۱)؛
۳. تخطی از تکالیف و محدودیت‌ها: مثل نقض ممنوعیت‌های سه‌گانه ماده ۶۸ به موجب حکم قطعی مراجع ذیصلاح رسیدگی به تخلفات (قسمت نخست جزء و بند ۱) و نیز تخطی از

۱. بند ۵ ماده ۵۵ ق.ا.س.ک. ۴۴: «به تخلفات اعضای شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر، به‌جز قاضی منتخب رئیس قوه قضائیه و نیز کارمندان مرکز ملی رقابت برابر مقررات قانون نحوه رسیدگی به تخلفات اداری و به تخلفات قاضی منتخب رئیس قوه قضائیه، طبق مقررات قانونی در دادسراها و دادگاه‌های انتظامی قضات رسیدگی خواهد شد.»

۲. نظارت درون‌سازمانی نوعی کنترل بر خود است. برقراری ساختاری نظام‌مند و سیستمی کارا در نظارت درون‌سازمانی علاوه بر اینکه عملیات کارمندان را از نظر تطبیق با قوانین و مقررات کنترل می‌کند، به ارزیابی و ارتقای عملکرد مدیران و کارمندان دستگاه‌های کشور نیز کمک می‌کند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: امامی و دهقان، ۱۳۹۲.

مقررات موضوع مواد ۷۵ و ۷۶^۱ به تشخیص اکثریت اعضای شورا (قسمت ذیل جزء و بند ۱)؛
 ۴. محکومیت اعضا: مشتمل بر محکومیت‌های موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، محکومیت قطعی به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب و نیز محکومیت قطعی انتظامی از بند «د» به بالا موضوع ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری (جزء ب بند ۱) و نیز محکومیت قطعی به دلیل سوءاستفاده از مقررات مواد ۷۵ و ۷۶ (جزء ج بند ۱).
 نظر به اینکه تخطی از مقررات مادتهای ۷۵ و ۷۶، واجد عنوان کیفری بوده و احراز آن به موجب ماده ۸۲ در صلاحیت مرجع قضایی است، از این رو صرف محکومیت قطعی اعضای شورا به آنها به موجب جزء «ج» بند ۱ ماده ۵۶ پیش‌گفته از موجبات عزل آنان بوده و عبارت «... به تشخیص اکثریت اعضاء شورای رقابت» در قسمت ذیل جزء و بند ۱ ماده مذکور، زائد به نظر می‌رسد. به بیان دیگر در صورت محکومیت قطعی به ارتکاب اعمال مجرمانه موضوع مادتهای ۷۵ و ۷۶، عضو محکوم، معزول شده و محلی برای اظهار نظر و تشخیص شورا نخواهد بود.

کارکردها

با ارزیابی مواد مختلف فصل نهم، اختیارات و وظایف متنوع پیش‌بینی شده برای شورای رقابت به‌خوبی قابل مشاهده است؛^۲ بالطبع تنوع اختیارات و وظایف، ایجادکننده کارکردهای متمایزی برای شورا خواهد بود که در مواردی تعارض و تداخل وظایف فی‌مابین آن با برخی قوانین با موضوع مشابه همچون قانون نظام صنفی و قانون تعزیرات حکومتی، دیده می‌شود که در آینده می‌تواند مبنای سوءبرداشت و اختلاف نظر شورا با نهادهای مشابه خود باشد (خانی، ۱۳۸۹).

۱. انضباط و نظارت

نظر به تشکیل نهادهای نظارتی مستقل (همچون نهاد رقابت) به‌منظور ایجاد ثبات، تنظیم

۱. ماده ۷۶: «هر یک از اعضاء شورای رقابت، اعضاء هیأت تجدیدنظر، رؤسا و کارکنان مرکز ملی رقابت و همچنین هر یک از حقوق‌بگیران آنها و اشخاص طرف قرارداد آنها و نیز هر شخص دیگری که از مقررات این قانون برای ضربه زدن به منافع مالی یا اعتبار تجاری و حرفه‌ای اشخاص حقیقی یا حقوقی سوءاستفاده کند، علاوه‌بر جبران خسارات به حبس تعزیری از سه تا پنج سال یا جزاء نقدی از پنجاه میلیون تا پانصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

۲. این تنوع اختیارات در «کمیسیون اتحادیه اروپا» که نهاد مرکزی رقابت در حقوق اتحادیه اروپاست نیز قابل مشاهده است و ترکیبی از اختیارات مربوط به تحقیق، تعقیب و تصمیم‌گیری در آن مشاهده می‌شود (Schweitzer, 2012:2). البته برخی را اعتقاد بر این است که مطالعه قوانین و مقررات کشورها، دو نوع سیاست یا مقررات را برای چنین نهادهایی مطرح می‌کند: سیاست اجرا و (سیاست) نظارت بر اجرای قوانین و مقررات رقابتی (عامری، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

مقررات اقتصادی و نیز بهبود اجرای سیاست‌ها (Guidi, 2015: 1195)، بالطبع نهاد رقابت، دارای وظایف متعدد تنظیم‌کنندگی خواهد شد. تدوین و ابلاغ راهنماها و دستورالعمل‌های لازم به منظور اجرای صحیح فصل نهم (بند ۳ ماده ۵۸) تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری در هر مورد (بند ۵)، ارزیابی وضعیت و تعیین محدوده بازار کالاها و خدمات مرتبط با رویه‌های ضد رقابتی (بند ۲)، ارائه نظریه‌های مشورتی به دولت برای تنظیم لوايح مورد نیاز در مواقع لزوم (بند ۴)، وظایفی است که در این زمینه از جانب قانونگذار برای شورا پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد در مسیر ایفای بهینه این وظایف، موانعی جدی پیش روی شورا بوده و تداخل عملکردها و کارکردها، فی‌مابین شورا و سایر نهادهای پیش‌بینی شده در قوانین دیگر را موجب گردد (رستمی و اصغرینیا، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۹۹؛ رحمانی قشقایی، ۱۳۹۴). این امر، افزایش احتمال مداخله نهادهایی چون دیوان عدالت اداری^۱ را بیش از پیش موجب می‌شود.

۲. تحقیق و بازرسی

به موجب بندهای دوگانه ماده ۶۰^۲ اختیارات نسبتاً وسیعی از حیث بازرسی و تحقیق برای شورا

۱. فارغ از مناقشه در خصوص جواز یا عدم جواز ورود دیوان عدالت اداری در مقام مرجع حل اختلاف در صلاحیت، در خصوص صلاحیت دیوان در مقام مرجع تجدیدنظر از آرا و تصمیمات شورای رقابت نیز، عده‌ای بر این اعتقادند که دیوان به هیچ عنوان در این خصوص، صلاحیت ندارد، چراکه فلسفه ایجاد شورای رقابت، وجود نهادی مستقل برای حمایت از جریان آزاد رقابت در بازار، تسهیل رقابت و جلوگیری از انحصار بوده است (خشنودی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۱۸؛ فتحی و سرایی، ۱۳۹۲: ۲۳۰-۲۲۹)، اگرچه کمیسیون مشورتی دیوان عدالت اداری، طی نظریه شماره ۹۰/۴۸ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۱/۲۱، تصمیمات قطعی شورای رقابت را، تابع قاعده عام مذکور در اصل ۱۷۳ قانون اساسی و بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری و در نتیجه قابل شکایت در دیوان دانسته است. به نظر می‌رسد در خصوص تصمیمات موضوع ماده ۵۸ پیش‌گفته شورای رقابت، استدلال کمیسیون مشورتی دیوان وارد و موجه است؛ لیکن تسری آن به آرای موضوع ماده ۶۱ شورا که در نتیجه رسیدگی توافقی صادر می‌گردند و قابلیت تجدیدنظرخواهی در هیأت تجدیدنظر را دارا می‌باشند، جداً محل تأمل و انتقاد به نظر می‌رسد. به خصوص اینکه بند «د» ماده ۶۴ نیز صراحتاً، قطعی و لازم‌الاجرا بودن تصمیمات هیأت تجدیدنظر را بیان می‌دارد.

۲. در همین زمینه آیین‌نامه اجرایی نحوه تحقیق و بازرسی، رسیدگی به شکایات و اجرای آرای شورای رقابت نیز (که تحت عنوان آیین‌نامه از آن نام خواهیم برد) در جلسه ۱۳۹۵/۰۶/۱۴ به تصویب هیأت وزیران رسید. بند «الف» ماده ۶۰ در حیطه بازرسی، اختیاراتی همچون بازرسی بنگاه‌ها و شرکت‌ها، صدور اجازه ورود به اماکن، انبارها، وسایل نقلیه، رایانه‌ها و تفتیش آنها، صدور جواز بازرسی از فعالیت‌های اقتصادی، اموال، رایانه‌ها، دفاتر و سایر اوراق، شرکت در جلسات مجامع عمومی و در نهایت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از جمله مصوبات هیأت مدیره در اجرای وظایف و مأموریت‌ها را به شورا اعطا کرده است. بدیهی است در تمامی مراحل تحقیق و بازرسی نظیر تفتیش اشیا و اماکن، علاوه بر قید در صورتجلسه و نیز امضای اشخاص ذی‌ربط (ماده ۱۲

پیش‌بینی شده است. شورا باید صدور مجوز تحقیقات و بازرسی و محدوده آن را حسب مورد از یکی از قضات عضو خود یا یکی از پنج قاضی که بدین منظور توسط رئیس قوه قضاییه (از بین قضات با حداقل ده سال سابقه) انتخاب و معرفی می‌شوند، درخواست کند و انجام تحقیقات و بازرسی نیز منوط به حکم قاضی است که باید ظرف دو هفته در این خصوص اعلام نظر کند (تبصره ۱ ماده ۶۰ و ماده ۵ آیین‌نامه). متوقف شدن انجام امر بازرسی و تحقیق به اجازه مقام قضایی نشان‌دهنده توجه ویژه به قانونی بودن فرایند تحقیق و بازرسی و لزوم رعایت حقوق شهروندی اشخاص است؛ در همین زمینه تبصره ماده ۱۰ و ماده ۱۴ آیین‌نامه، رعایت حقوق دفاعی از قبیل حق بهره‌مندی از وکیل، حق داشتن فرصت کافی برای تدارک دفاع، حق اطلاع از دلایل و مبنای انتساب تخلف را در تمامی مراحل رسیدگی از سوی شورا ضروری دانسته‌اند. شورا همچنین می‌تواند امر تحقیق و بازرسی را به مؤسسات تخصصی و اشخاص متخصص حقیقی و حقوقی که طبق قوانین خاص تشکیل و احراز صلاحیت شده‌اند، ارجاع نماید (تبصره ۲). در ارجاع مذکور، باید موضوع و محدوده تحقیق و بازرسی و نیز مهلت شخص ارجاع‌شونده برای اظهارنظر، تعیین شود (قسمت ذیل ماده ۵ آیین‌نامه). درخواست تکمیل تحقیقات از اشخاص مذکور، ترتیب اثر ندادن به تحقیقات انجام‌گرفته، ارجاع به مرجع تحقیق دیگر و عندالاقضاء، اقدام علی‌الرأس به تکمیل تحقیقات و اتخاذ تصمیم از دیگر اختیارات شورا در این راستاست (تبصره ۲ ماده ۹ آیین‌نامه). به نظر می‌رسد الزام موجود در تبصره ۱ (لزوم وجود حکم قاضی در انجام تحقیقات و بازرسی) را باید به مفاد تبصره ۲ نیز تسری داد. به عبارت دیگر، هنگامی که اصل انجام تحقیق و بازرسی منوط به اجازه مقام قضایی است، ارجاع آن به سایر اشخاص نیز به طریق اولی نیازمند این اجازه خواهد بود.

نقطه شروع بررسی و تحقیق شورا در خصوص رویه‌های ضدرقابتی می‌تواند رأساً یا براساس شکایت هر شخص حقیقی یا حقوقی از جمله دادستان کل^۱ یا دادستان محل، دیوان محاسبات

آیین‌نامه) رعایت مقررات قانونی همچون آیین دادرسی کیفری نیز ضروری می‌باشد (بند «ج» ماده ۹ آیین‌نامه). احضار مشتکی‌عنه برای حضور در شورا یا مرکز ملی رقابت به منظور انجام تحقیقات از او، احضار شهود یا هر شخص دیگر که حضور آنها به منظور رسیدگی به شکایات ضروری تشخیص داده شود (با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص ابلاغ احضاریه و اوراق قضایی وفق تبصره ماده ۶ آیین‌نامه)، درخواست گزارش، اطلاعات، مدارک، مستندات و سوابق (اعم از کاغذی یا الکترونیکی) مرتبط با رویه‌های ضدرقابتی از اشخاص حقیقی و حقوقی و در نهایت دعوت از کارشناسان و مؤسسات تخصصی و دریافت اظهارنظر آنان در فرایند تحقیق و بازرسی نیز اختیاراتی است که به موجب بند «ب» و در حیطه تحقیق به شورا واگذار گردیده است. مصادیق تحقیق و بازرسی صرفاً محدود به موارد مذکور در بندهای دوگانه فوق می‌باشد (ماده ۴ آیین‌نامه) و ضابطان دادگستری (و از جمله نیروی انتظامی به موجب بند «ت» ماده ۸ آیین‌نامه) در این راستا مکلف به همکاری با شورای رقابت، هیأت تجدیدنظر و مرکز ملی رقابت هستند (ماده ۸۳).
۱. تبصره ۱ ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات ۱۳۹۴).

کشور^۱، سازمان بازرسی کل کشور^۲، تنظیم‌کننده‌های بخشی (موضوع ماده ۵۹)^۳ سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولت، تشکل‌های صنفی، انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان^۴ و دیگر سازمان‌های غیردولتی باشد (ماده ۶۲). ماده مذکور در مورد ماهیت شکایت اشخاص حقوقی فوق‌الاشاره و اینکه در مقام شاکی صورت می‌پذیرد یا در مقام مدعی‌العموم حکم مشخصی ندارد؛ البته ایجاد تکلیف قانونی برای شورای رقابت به منظور بررسی و تحقیق در مورد رویه‌های ضد رقابتی پس از شکایت اشخاص مزبور، فایده عملی تفکیک مذکور را تا حدود زیادی منتفی می‌سازد. ماده مذکور در خصوص لزوم ذی‌نفع بودن یا نبودن شاکیان نیز ساکت است؛ به خصوص اینکه صدر ماده ۶۳، تصمیمات شورا را ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به ذی‌نفع، قابل تجدیدنظر در هیأت تجدیدنظر می‌داند.

در خصوص شمول امر بازرسی و نظارت شورا بر افراد و تشکل‌های مشمول قانون نظام صنفی^۵ نیز مطابق ماده ۵۰، این افراد که به عرضه جزئی و خرده‌فروشی کالاها یا خدمات می‌پردازند، مستثنا بوده، مگر اینکه تخلفات آنان^۶ (به تشخیص شورای رقابت) موجب اخلال در رقابت باشد که در این صورت مطابق مقررات، رسیدگی خواهد شد (تبصره ماده ۶۲).

۳. تعقیب و شکایت

امروزه تحت تأثیر تفکر قضازدایی^۷، اموری مانند احراز وقوع جرم، تحقیقات مقدماتی و اقامه دعوی در مقام مدعی‌العموم، از دادسرا و مراجع قضایی به واحدهای غیرقضایی هم تسری پیدا کرده است. در مورد حقوق رقابت نیز از آنجا که این حقوق، ورای منافع فردی بزه‌دیدگان به

۱. دشوار بتوان از نهادی که با توجه به بندهای «الف» و «ب» ماده ۱ قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱ (با اصلاحات ۱۳۷۰) مسئول مراقبت و کنترل اعتبارات و فعالیت‌های مالی در حیطه محدود نهادهای ارتزاق‌کننده از بودجه کل سنواری کشور می‌باشد، انتظار تشخیص اعمال و رویه‌های ضد رقابتی داشت؛ اگرچه فصل الخطاب بودن نظر و تصمیم شورای رقابت می‌تواند این نقیصه را مرتفع نماید، لیکن نافی امکان ورود دعاوی غیرمرتبط به شورا و اطالۀ دادرسی در پی آن نخواهد بود.

۲. بند «ج» ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۰۷/۱۵.

۳. ماده ۵۹ ق.ا.س.ک.ا. ۴۴، تشکیل این‌گونه نهادها نشان می‌دهد قانونگذار به خوبی به عدم امکان نظارت فراگیر شورای رقابت (به‌عنوان یک نهاد متمرکز) بر تمامی حوزه‌های انحصار طبیعی (از بعد نهادی و نه جغرافیایی) توجه داشته و زمینه استقرار آنها را فراهم کرده است.

۴. ماده ۹ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۰۷/۲۱.

۵. مواد ۲ و ۳ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴.

۶. مواد ۵۷ تا ۶۶ قانون نظام صنفی و نیز (قاسمی، سلیمی و آقابابایی، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۹۷).

7. De – Jurisdiction

منافع و مصالح جمعی نیز مربوط می‌شود، از این رو (شورای رقابت به عنوان نهاد ناظر) باید برای موردی که بزه‌دیدگان به دلایل شخصی از اقامه دعوی منصرف شوند، ابتکار عمل خود را حفظ کند.^۱ شورا به موجب ماده ۶۷ می‌تواند در کلیه جرایم موضوع این قانون (مادتین ۷۲ تا ۷۸) سمت شاکی را داشته و با تقدیم دادخواست مطابق ماده ۸۰، از دادگاه صلاحیتدار (شعبی اختصاصی از دادرها و دادگاههای عمومی به موجب مادتین ۳۲ و ۸۲) برای جبران خسارت وارد شده به منافع عمومی درخواست رسیدگی و صدور حکم کند.^۲ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ساختار کنونی مورد نظر فصل نهم در مورد شورای رقابت و سایر نهادهای متولی (همچون هیأت تجدیدنظر و مرکز ملی رقابت) بر تمرکز جغرافیایی بنا شده و زیرشاخه‌های منطقه‌ای از جانب قانونگذار پیش‌بینی نشده است، از این رو ایفای بهینه نقش شاکی یا مدعی‌العموم توسط شورا و شناسایی و احراز مصادیق ضد رقابتی در گستره جغرافیایی کل کشور در شرایط موجود (با وجود امکان تشکیل دادرهای تخصصی اقتصادی زیر نظر دادرهای شهرستان در سراسر کشور به موجب ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴) عملاً غیرممکن به نظر رسیده و اصلاح قانون و پیش‌بینی بازوهای استانی و منطقه‌ای برای آن را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

۱. به همین دلیل ماده ۱۳ آیین‌نامه مقرر داشته که: «انصراف شاکی در صورتی موجب توقف تحقیق و بازرسی و رسیدگی خواهد شد که به نظر شورا، دلایل کافی مبنی بر وقوع تخلف و رویه ضد رقابتی موجود نباشد یا ادعای مطروحه به فرض اثبات، واجد اهمیت کافی نباشد.»

۲. ماده ۸۲: «به جرائم موضوع مواد (۷۲) تا (۷۸) در دادرها و دادگاه‌های عمومی، مطابق مقررات جاری و مقررات این قانون و خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.» ماده ۳۲: «قوه قضائیه مکلف است برای رسیدگی به تخلفات و جرائم ناشی از اجرای این قانون و نیز قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ شعب خاصی را تعیین کند. این شعب منحصرأ به دعاوی و شکایات مربوط به این دو قانون رسیدگی می‌نماید...»

۳. اعطای سمت شاکی به مقامات و سازمان‌های ذیصلاح اقتصادی در حوزه‌های تخصصی در حقوق موضوعه ایران امری مسبوق به سابقه است؛ برای مثال به موجب تبصره ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص فرار مالیاتی: «تعقیب و اقامه دعوی علیه مرتکبین در مراجع قضایی، از طرف رئیس سازمان مالیاتی کشور به عمل خواهد آمد»، ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۴/۹/۲) سازمان بورس و اوراق بهادار را مکلف می‌کند که «...مستندات و مدارک مربوط به جرائم موضوع این قانون را گردآوری کرده و به مراجع قضایی ذیصلاح اعلام نموده و حسب مورد موضوع را به‌عنوان شاکی پیگیری نماید...» بند «الف» ماده ۴ قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۰۲) نیز در بیان وظایف رئیس کل گمرک ایران: «... نمایندگی گمرک در کلیه مراجع قانونی و حقوقی با حق توکیل به غیر...» را اشعار می‌دارد و...

۴. رسیدگی و صدور حکم

صدر ماده ۶۲، شورای رقابت را تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی می‌داند.^۱ از آنجا که تعیین حدود و ثغور قانون رقابت با قوانین و وظایف خاص قضایی و در نهایت جمع بین آنها، دغدغه مهم بسیاری بوده (Carlos Laguna De Paz, 2013: 203)، از این رو در اینجا نیز نخست این ابهام ایجاد می‌شود که با اطلاق عنوان مرجع رسیدگی به شورا، منظور و مراد قانونگذار، رسیدگی قضایی است یا اداری؟ استعمال لفظ شکایت در ادامه، ظن قضایی بودن تصمیمات شورا را تقویت می‌کند؛ این امر مورد انتقاد واقع شده و برخی بر این اعتقادند که وضع مجازات‌های کیفری توسط این نهاد برخلاف موازین حقوق شهروندی است (تفضلی، ۱۳۸۸). البته مقررۀ ذیل ماده ۵۷ که به موجب آن: «...تصمیمات شورا در خصوص ماده ۶۱ این قانون در صورتی اعتبار خواهد داشت که رأی حداقل یک قاضی عضو نیز در آن مثبت باشد»^۲ تا حدود زیادی نقیصه را مرتفع کرده و نشان‌دهندۀ حساسیت و دقت قانونگذار در لزوم ارزیابی تصمیمات اتخاذشده مقامات رقابتی توسط مقام قضایی و نیز تضمین قانونی بودن تصمیمات شورا است^۳؛ هرچند برخی به‌طور کلی، محکمه قلمداد کردن مراجع غیرقضایی با وجود حضور و تأثیر اعضای غیرحرفه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری‌ها -ولو در صورت انشای رأی از سوی قاضی رسمی- را نیز محل تأمل و مغایر با قانون اساسی دانسته‌اند (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

نکته دیگر اینکه استعمال عبارت «رویه‌های ضد رقابتی» در مادتين ۶۱ و ۶۲، به‌منظور تعیین حوزه صلاحیت رسیدگی شورا و از طرف دیگر تعریف اعمال منجر به اخلال در رقابت در ماده ۴۵، ناهمگونی در ماهیت موارد ممنوعۀ قانونی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ توضیح مطلب اینکه چنانچه مطابق نص مادتين ۶۱ و ۶۲ منحصراً رویه‌های ضد رقابتی را مشمول صلاحیت شورا قلمداد کنیم، باید به تبع آن، احراز شرط استمرار اعمال (که به مرور زمان و در اثر تکرار،

۱. ماده ۶۳، بدون احصای موردی جهات تجدیدنظر، تصمیمات شورای رقابت را ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به ذی‌نفع، قابل تجدیدنظر در هیأت تجدیدنظر می‌داند. این مدت برای اشخاص مقیم خارج دو ماه خواهد بود. در صورت عدم تجدیدنظرخواهی در مدت یادشده و همچنین در صورت تأیید تصمیمات شورا در هیأت تجدیدنظر، این تصمیمات قطعی است. هیأت مزبور می‌تواند تصمیمات شورا را نقض یا عیناً تأیید یا حسب مورد آن را تعدیل یا اصلاح کند یا مستقلاً تصمیم دیگری بگیرد (جزء «ج» بند ۳ ماده ۶۴) و تصمیمات آن قطعی و لازم‌الاجراء خواهد بود (جزء «د»).

۲. عبارت مذکور، عیناً در قسمت ذیل ماده ۱۶ آیین‌نامه نیز تکرار و مورد تأکید قرار گرفته است.
۳. مشابه این شرط در جزء «الف» بند ۳ ماده ۶۴ برای تصمیمات هیأت تجدیدنظر نیز مقرر شده است که به موجب آن، اگرچه تصمیمات هیأت فوق، منوط به تصویب اکثریت اعضای آن می‌باشد، لیکن در خصوص تصمیمات ماده ۶۱، باید متضمن موافقت حداقل دو عضو قاضی این هیأت نیز باشد. اگرچه تبصره ماده ۱۷ آیین‌نامه، صدور مجوز تحقیق و بازرسی را فقط از جانب یک قاضی عضو هیأت، مکفی دانسته است!

تبدیل به رویه شده‌اند) را نیز از جانب شورا الزامی قلمداد کنیم که خود سبب ایجاد محدودیت در تشخیص مصادیق و موارد ممنوعه توسط شورا خواهد شد؛ به نظر می‌رسد با عنایت به ماهیت آنی یا مستمر بودن اعمال مختلف ممنوعه در مادتين ۴۵ تا ۴۸ قانون، باید احراز عنوان عمل یا رویه ضد رقابتی را در هر پرونده خاص به شورا سپرد و ایجاد محدودیت در موارد رسیدگی شورا با روح قانون و اهداف آن چندان سازگار به نظر نمی‌رسد.

۱.۴. اجرای حکم

مطابق ماده ۷۰، تصمیمات قطعی شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر حسب مورد توسط «واحد اجرای احکام مدنی دادگستری» اجرا می‌شود.^۱ تبصره ۳ ماده ۱۹ آیین‌نامه نیز اجرای تصمیمات در موارد سکوت آن را، تابع قانون اجرای احکام مدنی دانسته است. این وضعیت به‌طور کلی مغایر با صدر ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی است که اجرای «... احکام دادگاه‌های دادگستری ...» را مورد تصریح قرار داده و در مورد احکام مراجع غیر قضایی سخنی به میان نیاورده است.

صرف نظر از تردید در قلمداد کردن شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر به‌عنوان محکمه قضایی، مستنبط از ماده ۵۴ ق.ا.س.ک. ۴۴۱ و نیز قسمت ذیل ماده ۱۹ آیین‌نامه، می‌توان مرکز ملی رقابت را صالح در صدور اجراییه و نیز پیگیری روند اجرایی شدن تصمیمات نهادهای فوق در واحدهای اجرای احکام مدنی دادگستری تلقی کرد. بدیهی است در صورت بروز اشکال، پیش یا در حین اجرای تصمیم، مرجع صادرکننده تصمیم (اعم از شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر) مبادرت به رفع اشکال خواهد کرد (تبصره ۲ ماده ۱۹ آیین‌نامه).

نکته دیگر اینکه ارجاع فرایند اجرای تصمیمات مراجع غیرقضایی نسبتاً مستقل همچون شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر، به مراجع قضایی و رسمی، قابل انتقاد به نظر می‌رسد و عدم تجانس سیاست تقنینی و اجرایی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ از طرفی قانونگذار بر استقلال شورا در رسیدگی و تصمیم‌گیری (بند ۴ ماده ۵۶) و نیز انحصاری بودن صلاحیت آن در رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی (صدر ماده ۶۲) تأکید کرده و از دیگر سو، اجرای تصمیمات این نهاد به‌ظاهر مستقل را به بخشی از حاکمیت تفویض می‌نماید. اگرچه که در تبصره ۲ ماده ۱۹ آیین‌نامه، بر اجرای تصمیمات، زیر نظر شورا یا هیأت تجدیدنظر تصریح شده است، لیکن مکانیسم اجرایی آن محل ابهام و تردید است.

۱. استثنائاً در مواردی که محکوم‌علیه یکی از دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶- باشد، اجرای مفاد تصمیمات متخذه از سوی شورا مطابق مقررات بر عهده بالاترین مقام دستگاه اجرایی مربوط می‌باشد و در مورد دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی بخش عمومی، تعاونی و یا خصوصی، اجرای مفاد تصمیمات متخذه از سوی شورا بر عهده بالاترین مقام اجرایی آن نهاد، مؤسسه، تعاونی یا شرکت می‌باشد (ماده ۲۰ آیین‌نامه).

۲.۴. زمان اجرا

بنا به تصریح ماده ۶۵: «تصمیمات شورای رقابت جز در مورد بند ۱۲ ماده ۶۱ این قانون (جریمه نقدی) پس از ابلاغ به ذی نفع قابل اجراست و تجدیدنظرخواهی ذی نفع به موجب ماده ۶۳ مانع اجرا نخواهد شد» که فقدان اثر تعلیقی رسیدگی هیأت تجدیدنظر را علی‌رغم ماهوی بودن آن بیان داشته (رشوند بوکانی، ۱۳۹۰: ۳۷۵-۳۷۴) و مغایرت ظاهری آن را با مفاد صدر ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ نشان می‌دهد که به موجب آن: «هیچ حکمی از احکام دادگاه‌های دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد». هرچند ماده مذکور به صراحت از دادگاه‌های دادگستری نام می‌برد، نظر به مفاد ماده ۷۰، مبنی بر اجرای تصمیمات قطعی شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر در واحد اجرای احکام مدنی دادگستری (که پیشتر شرح آن رفت) می‌توان نهادهای مزبور را از حیث قواعد اجرای احکام، در حکم محاکم دادگستری تلقی کرد.

نکته دیگر اینکه به موجب صدر ماده ۷۰، تصمیمات قطعی شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر، حسب مورد توسط واحد اجرای احکام مدنی دادگستری اجرا می‌شود، درحالی‌که در ماده ۶۵ به منظور تعیین مرجع و نهاد اجراکننده احکام غیرقطعی، سازوکاری پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد می‌توان مفاد ماده ۶۵ را مشمول قسمت ذیل ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی دانست و نوع اجرایی شدن تصمیمات غیرقطعی شورای رقابت را، اجرای موقت به حکم قانون تلقی کرد؛ هرچند در ماده ۶۵ تصریحی در خصوص صدور قرار اجرای موقت از جانب شورای رقابت نشده است.

به موجب قسمت ذیل ماده ۶۵ «...ذی نفع می‌تواند همزمان با تجدیدنظرخواهی یا پس از آن تا زمان تصمیم‌گیری هیأت تجدیدنظر، توقف اجرای تصمیم شورای رقابت را تقاضا کند و هیأت تجدیدنظر فوراً به تقاضا رسیدگی کرده و می‌تواند با اخذ تأمین یا تضمین مناسب دستور توقف اجرای تصمیمات شورای رقابت را صادر کند». نظر به ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که صدور قرار تأمین را منحصرأ در صلاحیت مقام قضایی دانسته و نیز امعان نظر به مفاد جزء «الف» بند ۳ ماده ۶۴ ق.ا.س.ک.ا. ۴۴ (مبنی بر لزوم موافقت حداقل دو قاضی عضو هیأت تجدیدنظر با تصمیمات موضوع ماده ۶۱) به طریق اولی می‌توان اخذ تأمین یا تضمین مناسب توسط هیأت مذکور را نیز متضمن موافقت حداقل دو قاضی عضو آن دانست.

سؤالی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود این است که به چه دلیل باید احکام و تصمیمات صادره غیرقطعی از شورای رقابت - قبل از تجدیدنظرخواهی - قابلیت اجرای سریع و موقت داشته باشند؟ آیا اعاده وضعیت رقابتی پیشین و مبارزه قاطع با اعمال و رویه‌های انحصاری ارتكابی، اجرای سریع تصمیمات نهاد رقابتی را اقتضا می‌کند؟ به نظر می‌رسد وضعیت موجود،

قابلیت و امکان اجرای آرای متفاوت و متهاافت را در پی دارد که خود موجب عدم ثبات و سردرگمی اصحاب دعوا و در نهایت عدم تأمین مقصود قانونگذار خواهد شد.^۱

نتیجه گیری

حراست و هدایت جریان رقابت سالم در شرایط شکست بازار، مستلزم پیش‌بینی نهادهای انضباطی و مدیریتی متولی، از طریق تصویب قوانین موضوعه است و این نقطه تولد حقوق رقابت و - به‌عنوان اولین رکن رقابت‌پذیری - است که کنشگران بازار، باید ضمن آگاهی و اشراف بر مفاد آن، رفتارها و رویه‌های خود را در چارچوب مزبور تنظیم کنند. تشکیل «شورای رقابت» به‌عنوان مرجع اختصاصی، شبه‌قضایی و مدافع حقوق رقابت و امکان ایفای وظیفه، حتی در موارد انصراف زیان‌دیدگان به دلایل شخصی، اعتبار تجاری و... از اقامه دعوا و پیگیری شکایت، علاوه بر تقویت پروسه قضا‌دایی در سطح کلان، امکان حمایت بایسته از حقوق رقابتی بنگاه‌ها و فعالان تجاری را ایجاد کرده و همزمان موجب نظارت شایسته بر کنشگران بازار در عرصه پهن‌اور و فرایند پیچیده تولید و توزیع کالاها و خدمات می‌شود؛ نظارتی معطوف به جلوگیری از تبانی، شکل‌گیری بلوک‌های انحصاری و در نهایت نقض حقوق مصرف‌کننده. پیش‌بینی سازوکارهای مقبول و اطمینان‌بخش در جهت تضمین بی‌طرفی شورا، رسیدگی سالم و منصفانه از جانب آن، حمایت از حریم اطلاعاتی کنشگران بازار، توجه ویژه به قانونی بودن هرچه بیشتر فرایند تحقیق، بازرسی و رسیدگی شورا و لزوم رعایت حقوق شهروندی اشخاص از طریق اعطای اختیارات ویژه به قضات عضو را می‌توان از نقاط قوت قانونگذار در ایفای بهینه وظیفه صیانت از استقلال شورا قلمداد کرد؛ اگرچه ترکیب اغلب دولتی اعضا و حضور کمرنگ نمایندگان بخش‌های خصوصی و تعاونی در آن، موجد نگرانی بوده و حمایت جامع قانونگذار از اصل استقلال شورا و تصمیمات آن را مخدوش می‌کند.

در بعد درون‌سازمانی، عدم پیش‌بینی ستادهای منطقه‌ای و زیرشاخه‌های استانی برای شورا، قابلیت اخلاف در ایفای بهینه وظایف و کارکردهای مختلف آن، در گستره جغرافیایی کل کشور را دارد و بازنگری مجدد مقنن را ایجاب می‌کند. لحاظ نکردن مقتضیات خاص تجاری و محیط بازار در تحقیق، بازرسی و رسیدگی شورا نیز، از دیگر موارد قابل انتقاد در این زمینه است.

در بعد برون‌سازمانی، تزاخم و تداخل گریزناپذیر وظایف و اختیارات شورا با سایر نهادهای مشابه (همچون سازمان تعزیرات حکومتی و کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات و...) و نیز

۱. هرچند ماده ۱۹ آیین‌نامه، بر ارسال تصمیم قطعی شورا یا هیأت تجدیدنظر، در صورت استنکاف محکوم‌علیه از اجرا، به واحد اجرای احکام مدنی سخن گفته است؛ لیکن این مقرر آیین‌نامه‌ای نمی‌تواند نص صریح ماده ۶۵، مبنی بر اجرای سریع تصمیمات غیرقطعی شورا را مخدوش کند.

سکوت قانونگذار در خصوص جواز یا عدم جواز نظارت قضایی بر تصمیمات شورا، پیش‌بینی سازوکارهای جدید قانونی را در جهت جلوگیری از تشتت‌های احتمالی، الزام می‌کند. در بُعد اجرایی، جدای از سرعت در اعمال تصمیمات شورا و فقدان اثر تعلیقی تجدیدنظرخواهی از آن (جز در صورت سپردن تأمین متناسب)، ارجاع فرایند اجرایی آن، به مراجع قضایی رسمی نیز محل انتقاد بوده و متبادرکننده عدم هماهنگی، بین سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی اجرایی، به ذهن است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. استیگیتز، جوزف (۱۳۹۳). *جهانی‌سازی و مسائل آن*، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
۲. پیکا، ژرژ (۱۳۹۳). *جرم‌شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
۳. رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۰). *حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. عبادی، جعفر (۱۳۸۵). *مباحثی در اقتصاد خرد*، تهران: سمت.
۵. گسن، رمون (۱۳۸۵). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: مجد.
۶. لازرژ، کریستین (۱۳۹۰). *درآمدی به سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
۷. لیست، فردریک (۱۳۷۰). *نظام ملی اقتصاد سیاسی*، ترجمه ناصر معتمدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب) مقالات

۸. امامی، محمد؛ دهقان، فرشته (۱۳۹۲). «نظارت درونی سلسله‌مراتبی بر دستگاه‌های اداری در نظام حقوقی ایران»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ش ۱.
۹. پژوهیان، جمشید (۱۳۸۸). *دادستان اقتصاد ایران* متولد می‌شود، پایگاه اینترنتی تابناک: <http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=61819>
۱۰. تفضلی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). «رقابت‌هایی که ممکن است زندان داشته باشد»، *حقوق همشهری*، ش ۱۳.
۱۱. توکلی، عبدالله؛ ماه‌بانویی، بهاره (۱۳۹۲). «بررسی رتبه رقابت‌پذیری کشورهای منطقه براساس شاخص‌های نهادهای عمومی و خصوصی و ارائه راهکارهایی برای ارتقای جایگاه

- جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، ش ۲۰.
۱۲. خانی، داود (۱۳۸۹). *چالش‌های پیش روی شورای رقابت*، پایگاه اینترنتی خبر آنلاین: <http://www.khabaronline.ir/detail/115098/Economy/financial-market>
۱۳. خداپرست، مهدی (۱۳۸۰). «حقوق اقتصادی در قانون اساسی (رویکرد سیستمی)»، *مجله دانش و توسعه*، ش ۱۳.
۱۴. خشنودی، رضا؛ حسینی، مینا (۱۳۹۵). «ماهیت حقوقی شورای رقابت و تجدیدنظر از آرای آن»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۷۵.
۱۵. رحمانی قشقایی، سمیرا (۱۳۹۴). *بررسی تداخل صلاحیت شورای رقابت با سازمان تعزیرات حکومتی*، پایگاه اینترنتی سیویلیکا: http://www.civilica.com/Paper-NCTMH01-NCTMH01_328.html
۱۶. رستمی، ولی؛ اصغرینیا، مرتضی (۱۳۹۲). «اختلاف صلاحیت شورای رقابت و کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات»، *فصلنامه نقد رأی*، ش ۴ و ۵.
۱۷. رهبری، ابراهیم؛ قیاسی، محمدحسین؛ گودرزی فراهانی، یزدان (۱۳۹۲). «عملکرد حقوق رقابت بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ش ۳.
۱۸. صادقی، طوبی (۱۳۸۶). «اصول حاکم بر حقوق رقابت تجاری»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)*، ش ۲۳.
۱۹. صادقی مقدم، حسن؛ غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۱). «نظم بازار، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۱.
۲۰. عامری، فیصل (۱۳۸۹). «حقوق رقابت و توسعه»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۳۰.
۲۱. عباسی داکانی، خسرو (۱۳۸۶). «بررسی قانون تجارت الکترونیکی ایران از منظر حقوق رقابت»، *ماهنامه کانون*، ش ۷۲.
۲۲. علی رازینی، ابراهیم؛ وجدانی طهرانی، هدیه (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر سیاست آزادسازی بر گسترش رقابت در بازار بیمه»، *دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی*، ش ۲۰.
۲۳. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۸). *تسهیل رقابت یا تهدید رقابت؟ پایگاه اینترنتی روزنامه دنیای اقتصاد*: <http://www.donya-e-eqtasad.com/news/571624/>
۲۴. فتحی، یونس؛ سرابی، مرتضی (۱۳۹۲). «تحلیل حقوق اقتصادی قواعد رقابت با نگاهی به قواعد رقابت در اتحادیه اروپا»، *فصلنامه علمی و تخصصی حقوق عمومی*، ش ۱۰ و ۱۱.
۲۵. قاسمی حامد، عباس؛ سلیمی، فزه؛ آقا بابایی، فهیمه (۱۳۹۱). «آسیب‌رسانی به مصرف‌کننده در بازار رقابتی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۵۷.
۲۶. کمیجانی، اکبر (۱۳۸۸). «تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ش ۳.
۲۷. محمودی، جواد (۱۳۸۵). «قضازدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری»،

- مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۸.
۲۸. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۴). *مروری بر قانون رقابت کشورهای منتخب*، پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس: <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/729138>
۲۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸). *تقریرات درس سیاست جنایی*، تهیه شده توسط فاطمه فتاد، دوره دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۹ - ۱۳۷۸.
۳۰. نوروزی شمس، مشیت‌الله (۱۳۸۴). «نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور»، *مجله علوم انسانی* (دانشگاه امام حسین)، ش ۶۱.

۲. انگلیسی

A) Books

31. Motta, Massimo (2004). *Competition Policy: Theory and Practice*, England Cambridge University Press.
32. Noll.R and Bruce M.Owen (1983). *The Political Economy of Deregulation* , Washington D.C, American Enterprise Institute.
33. Schweitzer, Heike (2012). *Judicial Review in EU Competition Law* , Free University of Berlin (FUB) - Institute for German and European Business, Competition and Regulatory Law.

B) Articles

34. Carlos Laguna De Paz, Jose, (2013). "Understanding the limits of judicial review in European competition law", *Journal of Antitrust Enforcement*, Vol 2, Issue 1.
35. Guidi, Mattia, (2015). "The Impact of Independence on Regulatory Outcomes: the Case of EU Competition Policy" , *JCMS (Journal Of Common Market Studies)*, Volume 53, Issue 6.
36. North , Douglass C , (1991). "Institutions", *Journal of Economic Perspectives* , N1.
37. Trebilcock, Michael J And Iacobucci, Edward M, (2010). "Designing Competition Law Institutions: Values, Structure, and Mandate" , *Loyola University Chicago Law Journal*, Vol 41, Issue 3.